یادداشت روز

آیا این شراب سرکه خواهد شد؟!

ابعاد کودتای جمعه شب ترکیه و انگیزه کودتاگران اگرچه هنوز در هاله‌ای از ابهام است و درباره کانون اصلی کودتا و درونی یا بیرونی بودن آن نیز گمانه‌های متفاوتی در میان است تا آنجا که برخی از ناظران سیاسی احتمال «صوری» بودن کودتا را هم دور از ذهن نمی‌دانند و بر این باورند که کودتا از سوی اردوغان و با هدف تحکیم جایگاه متزلزل او طراحی شده بود! ولی در این میان و صرفنظر از چرایی و چگونگی کودتای جمعه شب، شکست کودتا را می‌توان نتیجه حضور مردم در صحنه ارزیابی کرد، زیرا، حتی اگر کودتا را صوری و ساخته و پرداخته خود اردوغان بدانیم، این واقعیت قابل انکار نیست که حضور مردم برخاسته از هماهنگی قبلی با آنها نبوده است، و آنان به میل و رغبت خود در صحنه حضور یافته و با کودتاگران به مقابله برخاسته‌اند. اما مردم چرا؟! و با کدام انگیزه به میدان آمده بودند؟!

۱- ترکیه از سال ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۹) تاکنون با ۴ کودتا روبرو بوده است، که آخرین آن - معروف به کودتای پست مدرن - در فوریه ۱۹۹۷ (اسفند ۱۳۷۵) به وقوع پیوست و برکناری نجم‌الدین اربکان، نخست‌وزیر اسلامگرای ترکیه را در پی داشت. در این کودتا نظامیان ترکیه به بهانه عبور اربکان از مبانی سکولاریسم که ارتش خود را موظف به حفظ آن می‌دانست، با اعلام یک هشدار جدی، نجم‌الدین اربکان را وادار به استعفاء کردند و با پرونده‌سازی علیه بسیاری از نظامیان اسلامگرای ترکیه، آنان را از ارتش اخراج کردند.

نخست‌وزیری نجم‌الدین اربکان آغاز فصل جدیدی در ترکیه بود و نگاه اسلامگرایانه او با استقبال گسترده‌ای از سوی مردم ترکیه و برخی از نظامیان این کشور روبرو شد. دولت وی اگرچه دوام چندانی نداشت ولی بعدها عبدالله گل و رجب طیب اردوغان با شعارهای اسلامگرایانه به ریاست جمهوری و نخست‌وزیری ترکیه انتخاب شدند. شعارهای اسلامی این دو در رویکرد مردم ترکیه به آنان نقش اصلی را داشت تا آنجا که واشنگتن پست نوشت، پیروزی عبدالله گل و اردوغان مدیون حجاب اسلامی همسران آنهاست که در تمامی تبلیغات انتخاباتی در کنارشان حضور داشتند.

اردوغان که با شعارهای اسلامی روی کار آمده بود به تدریج از این رویکرد کناره گرفت و اصرار داشت ضمن حفظ گرایش غربی خود، پوششی ظاهری از اسلام را هم با خود داشته باشد که اصرار وی بر بازسازی دوران حاکمیت دولت عثمانی از این دیدگاه ریشه می‌گرفت. اما، با رویکرد جدید اردوغان، برخی از یاران هم‌حزبی او نظیر عبدالله گل در حزب اعتدال و توسعه از وی فاصله گرفته و جدا شدند.

نجم‌الدین اربکان اولین نخست وزیر اسلامگرای ترکیه و موسس حزب رفاه که عبدالله گل و اردوغان هر دو از شاگردان وی بودند و در سال ۲۰۱۱ از دنیا رفت، در اواخر عمر خود با نگرانی توأم با عصبانیت از اردوغان یاد کرده و گفته بود: اردوغان غوره‌ای بود که امیدوار بودم به انگور تبدیل شود اما او امروزه به شراب تبدیل شده است!

۲- مواضع و عملکرد اردوغان طی چند سال اخیر نه فقط مردم مسلمان ترکیه، بلکه احزاب لائیک و ملی‌گرای این کشور را هم ناخرسند کرده بود، دفاع تمام‌قد او از ائتلاف ضدسوری که با حمایت آشکار از گروه‌های تکفیری -مخصوصا داعش - همراه بود، در کنار جنایات وحشیانه داعش از یکسو و همراهی نزدیک به سرسپردگی با رژیم کودک‌کش آل‌سعود، از سوی دیگر، جایگاه اردوغان را در میان مردم ترکیه به شدت تضعیف کرده بود تا آنجا که بارها زبان به گلایه و اعتراض گشوده و ریاست‌جمهوری اردوغان را باعث سرافکندگی خود در جهان اسلام می‌دانستند. این وضعیت تا نزدیک به یک ماه قبل ادامه داشت و همه روزه نیز بر شدت و دامنه آن افزوده می‌شد.

شکست داعش در سوریه و عراق و زمین‌گیر شدن گروه‌های تکفیری که با درایت و حضور مستشاری جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفت برای اردوغان که طی چند سال گذشته به حمایت تمام‌قد از تروریست‌ها در سوریه و عراق برخاسته بود، یک ناکامی شبیه به کابوس بود و در همان حال، اتحادیه اروپا نیز به تحقیر اردوغان روی آورد. این اتحادیه که با حضور ترکیه در پیمان ناتو از این کشور به عنوان ژاندارم منطقه بهره کشیده بود ولی هرگز به آرزوی ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا توجهی نکرده بود، اعلام کرد که شاید تا ۳۰۰ سال دیگر با عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا موافقت کند! و... این تحقیر با واکنش گسترده مطبوعات ترکیه روبرو شد که آن را نتیجه عبور اردوغان از خط حیثیت ترکیه می‌دانستند.

۳- اردوغان نزدیک به ۳ هفته بود که در برخی از سیاست‌های اعلام شده قبلی خود تجدیدنظر کرده بود. ترکیه بعد از چند ماه که به فشار روسیه برای عذرخواهی به خاطر سرنگون کردن جنگنده این کشور توجهی نکرده و با بی‌اعتنایی از کنار آن گذشته بود، رسما از روسیه عذرخواهی کرد و با اهمیت‌تر از آن، عقب‌نشینی آشکار از مواضع قبلی خود علیه سوریه بود. «بن‌علی ایلدریم» نخست‌وزیر ترکیه روز ۲۳ تیرماه ۹۵ رسما اعلام کرد که کشورش به دنبال برقراری روابط خوب و حسنه با دولت بشار اسد در سوریه است. و دو روز بعد در مصاحبه با آناتولی این رویکرد جدید ترکیه در سیاست منطقه‌ای را تکرار کرد. اهمیت این رویکرد را باید در تلاش آشکار و همه‌جانبه چند سال گذشته دولت ترکیه در برخورد خصمانه با دولت سوریه دانست. ترکیه طی سال‌های اخیر با جدیت بر حمایت خود از تروریست‌های تکفیری- در پوشش معارضین غیرتروریست! - تاکید داشته و برکناری بشار اسد را تنها راه‌حل بحران سوریه می‌دانست و اکنون با صراحت از مواضع قبلی عقب‌نشینی می‌کرد. ایلدریم، در همان مصاحبه، گفت «امنیت عراق و سوریه برای مبارزه با تروریست‌ها واجب و ضروری است» و علاوه بر آن تأکید کرد که کشور متبوعش در حال گسترش حلقه دوستانش در منطقه است.

۴- اکنون هنگام پاسخ به این پرسش است که کودتای جمعه شب ترکیه از کدام خاستگاه صورت پذیرفته بود و مردم این کشور با کدام انگیزه در صحنه حضور یافته بودند؟ دراین‌باره دو احتمال به عنوان دو گمانه با شدت و دامنه بیشتری مطرح می‌شود.

اول؛ آن که کودتا یک حرکت صوری بوده است و از سوی دولت اردوغان با طراحی شکست زودهنگام و بهره‌گیری‌های بعدی از آن صورت پذیرفته است!

دوم؛ کودتاگران از یک کانون بیرونی و یا داخلی برخاسته و به جد قصد سرنگونی دولت اردوغان را داشته‌اند.

این که کدام یک از دو گزاره و گمانه یاد شده به واقعیت نزدیک است، موضوع یادداشت پیش روی نیست، بلکه آنچه در این یادداشت دنبال می‌کنیم، چرایی و انگیزه حضور مردم در مقابل کودتاگران است. بخوانید!

حضور گسترده مردم در مقابل کودتاگران یک واقعیت غیرقابل انکار است و در هر دو حالت و یا دو احتمال مورد اشاره درباره خاستگاه کودتا قابل توضیح خواهد بود. چرا که بر فرض صوری بودن کودتا، به یقین توده‌های مردم از آن بی‌خبر بوده‌اند، و بسیار بدیهی است که طراحان کودتا - در حالت اول - نمی‌توانسته‌اند همه مردم را در جریان گذاشته و پیشاپیش از آنان برای حضور در این ماجرا دعوت کرده باشند. بنابراین حضور مردم صرفنظر از خاستگاه صوری یا واقعی کودتا با یک انگیزه واحد و قابل توجیه انجام شده است و این انگیزه قبل از همه ناشی از نفرت آمیخته به وحشت مردم از دو پی‌آمد کابوس‌مانند بوده است. اول؛ حاکمیت ارتش ترکیه که مانند ۴ نمونه قبلی کودتاهای نظامی در این کشور، می‌توانست با دیکتاتوری و حاکمیت زور همراه باشد و دوم؛ نفرت توأم با وحشت مردم از جنایات هولناک تکفیری‌ها که با توجه به رویکرد اخیر دولت ترکیه و چند عملیات تروریستی طی ماه‌های گذشته می‌توانست احتمال حضور آنان در کشورشان را در صورت پیروزی کودتاگران قوت ببخشد. چرا که کودتا بعد از اعلام مواضع اخیر ترکیه در برقراری روابط دوستانه با دولت بشار اسد، حمایت از دولت‌های عراق و سوریه در مقابله با تروریست‌ها و عذرخواهی از روسیه- یکی از کشورهای حاضر و فعال در ائتلاف ضدتروریست‌های تکفیری- صورت پذیرفته بود و به طور طبیعی این احتمال را در میان مردم قوت می‌بخشید که کودتاگران علیه مواضع اخیر دولت ترکیه دست به کودتا زده‌اند.

۵- آیا دولت اردوغان در مواضع اخیر خود صداقت دارد؟ پاسخ به این سوال و قضاوت درباره این گزاره به آسانی ممکن نیست، چرا که اردوغان طی چند سال اخیر بارها نشان داده است که ارزش چندانی برای مردم کشور خود قائل نبوده و احتمال آن که مواضع اخیر دولت وی بخشی از یک ترفند جدید و یا یک موضع تاکتیکی - و نه استراتژیک - بوده باشد، با قاطعیت قابل نفی کردن نیست.

اما، در اینجا سخن درباره حضور مردم است که صرفنظر از انگیزه واقعی اردوغان صورت پذیرفته و آنان را با این تلقی که مواضع جدید دولت باعث کودتا شده است، به صحنه آورده است.

۶- و اما، فرض کنید که دولت اردوغان به مواضع و رویکرد چند سال قبل خود یعنی حمایت آشکار از داعش و سایر گروه‌های تکفیری، اصرار بر سرنگونی حکومت سوریه و همراهی با تروریست‌ها در عراق ادامه داده بود، در این حالت، بدون کمترین تردیدی می‌توان نتیجه گرفت که مردم، حاکمیت نظامیان کودتاگر را در مقابل مواضع دولت ترکیه ارزیابی می‌کردند و دیکتاتوری آنان را بر تحمل سایه شوم و وحشیانه داعش بر کشورشان ترجیح می‌دادند و این، صرفنظر از صداقت یا عدم صداقت اردوغان در مواضع اخیرش می‌تواند برای وی درس‌آموز تلقی شود و چنانچه مواضع یکماه اخیر وی یک حرکت تاکتیکی و فریبکارانه بوده باشد - که چندان بعید نیست - باز هم، حضور مردم در مقابل کودتاگران حاکی از آن است که مردم مواضع پیشین اردوغان را نمی‌پسندند و اگر او در پی جلب نظر مردم و برخورداری از حمایت آنان در روزهای حادثه است، باید از همراهی با دشمنان اسلام و مردم برای همیشه کناره بگیرد. آیا چنین می‌شود؟ و شرابی که نجم‌الدین اربکان از آن سخن می‌گفت به سرکه تبدیل خواهد شد؟! قضاوت دراین‌باره به زمان بیشتری نیاز دارد!

حسین شریعتمداری

کدخدایی: شورای نگهبان مصلحت‌اندیشی نمی کند

عضو حقوقدان شورای نگهبان تاکید کرد: مصلحت‌اندیشی یک زمانی است که می‌گوییم مصلحت شخصی یا مصلحت موردی یا مقطعی است؛ قطعاً این‌طور نیست و به این شکل شورای نگهبان مصلحت‌اندیشی نمی‌کند.

عباسعلی کدخدایی عضو حقوقدان شورای نگهبان در گفت‌وگو با مهر در پاسخ به این سوال که چه نمره‌ای به عملکرد شورای نگهبان می‌دهید ابراز داشت: واقعیت این است که شورای نگهبان خدمت‌های زیادی به نظام و مردم کرده است و زحمات همه اعضای شورای نگهبان در همه ادوار قابل تقدیر و قدردانی است و حالا چون باب شده است و نظرخواهی می‌کنند، شاید نمره ۱۷ خوب باشد؛ حداقل برای دوره‌ای که من بوده‌ام، برای دوره‌های گذشته را نمی‌توانم قضاوت کنم.

وی افزود: شورای نگهبان یک نوع معذوریت هم دارد که برخی از عملکردهای خودش را یا نمی‌تواند به خوبی و به طور علنی با عامه مردم مطرح کند و یک بخشی را هم نتوانسته است به صورت شفاف و آشکار ارائه کند به طور طبیعی، تعداد مصوباتی که امروز در سال ۹۵ داریم، نسبت به تعداد مصوباتی که در سال ۶۰ داشتیم خیلی افزایش پیدا کرده است و این افزایش، نیازمند این است که شورای نگهبان هم بیشتر در این جهت فعالیت کند، اما زمانی که در قانون اساسی مقرر شده است، دو تا ۱۰ روز است؛ اگر شورای نگهبان ظرف این دو ۱۰ روز که مجموعاً ۲۰ روز است اعلام نظر نکند مصوبه تایید شده تلقی می‌شود.

کدخدایی با اشاره به اینکه نظام انتخاباتی ما حداقلی و ناکارآمد است و باید اصلاح شود اظهار داشت: ما یک بحث کلان در انتخابات داریم و آن، فقدان نظام حزبی است؛ قانون اساسی ما احزاب را به رسمیت شناخته است، احزاب رفتند در وزارت کشور ثبت‌نام کردند، اما فعالیت حزبی به معنای مرسوم در جوامع دیگر را ما نداریم، یک گروه‌هایی بنا به اقتضائات محلی، قومی و تخصصی جمع می‌شوند و نام این را می‌گذارند حزب و بعد از یک مدتی، اینها همه کنار می‌روند! در حالی که حزب یک امر تاریخی است، احزاب در کشورهای مختلف تاریخی هستند و به گذشته خودشان وفادار هستند.

وی خاطرنشان کرد: ما چون نظام حزبی نداریم، شفافیت لازم هم در انتخابات ما وجود ندارد، یعنی ما نمی‌دانیم اشخاصی که ثبت‌نام می‌کنند از نظر سیاسی چه هویتی دارند. بله، شورای نگهبان بررسی می‌کند که مثلا صلاحیت اخلاقی، صلاحیت عمومی، صلاحیت علمی و یا صلاحیت کارشناسی دارند یا خیر؛ اما این مسئله که اینها تا چه اندازه برای انتخابات و برای مجلس مطلوب هستند و از چه مکانیزم و چه سیستمی ورود می‌کنند به این مرحله و احزاب چه تاثیری در انتخاب و گزینش آنها دارند، مسائلی است که ما اینها را نداریم. پس آن موضوع کلانی که باید در قانون انتخابات یک بار برای همیشه تعیین تکلیف شود، مسئله حزب، جایگاه و نقش احزاب در انتخابات است.

عضو حقوقدان شورای نگهبان در خصوص جایگاه نظارت استصوابی اظهار داشت: نظارت استصوابی استنباط اعضای محترم شورای نگهبان از اصل ۹۹ قانون اساسی است، این خودش قانون است؛ یعنی وقتی قانون اساسی می‌گوید که شورای نگهبان نظارت بر انتخابات خبرگان، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس و همه‌پرسی‌ها را برعهده دارد، برداشت شورای نگهبان به عنوان مفسّر قانون اساسی این است که این نظارت، لوازمی را می‌طلبد و باید در این جهت گام بردارد و توسعه پیدا کند.

کدخدایی در پاسخ به این سوال که ممکن است شورای نگهبان در رد و یا تایید صلاحیت مصلحت‌اندیشی کند تصریح کرد: قبلا هم گفته‌ام که مصلحت‌اندیشی یک زمانی است که می‌گوییم مصلحت شخصی یا مصلحت موردی یا مقطعی است؛ قطعاً این‌طور نیست و به این شکل شورای نگهبان مصلحت‌اندیشی نمی‌کند، ولی طبیعتاً هر انسانی وقتی که می‌خواهد نسبت به یک موضوعی نظر بدهد، علاوه بر صلاحیت‌های قانونی و حقوقی خودش، مصالح عالی و کلان را هم در نظر می‌گیرد. در این شکل ممکن است در ذهن اعضای شورای نگهبان باشد ولی به عنوان یک امری که بخواهد سیستماتیک باشد و از جایی آن را بخواهد اداره بکند نه.

دنیس راس: برای حمایت از روحانی باید فشار بر ایران را افزایش دهیم

مشاور سابق کاخ سفید می‌گوید تحریم‌ها روحانی را در ایران سرکار آورد و برای حمایت از روحانی باید فشارها بر ایران را تشدید کنیم.

دنیس راس در روزنامه الوطن نوشت: هیچ راهی برای تضمین توافق هسته‌ای و موفقیت آن وجود ندارد مگر اعمال فشار بیشتر واشنگتن به ایران.

راس ادامه داد: «تهران در عمل با آزمایش موشک‌های بالستیک و انتقال سلاح‌های کلاسیک، به صورت آشکار قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت را نقض کرده و در حقیقت در قبال هیچ‌کدام از اقدامات تحریک‌آمیز خود مجازات نشده است. در این مقطع دولت اوباما نباید روش تعامل خود با مسئله هسته‌ای ایران را تغییر دهد و دولت جدید آمریکا نیز باید بر سیاست رسمی این کشور تاکید کند تا ایران متوجه عواقب زیرپا گذاشتن تعهدات خود باشد.

راس اضافه کرد: «مسئولان آمریکایی باید تلاش کنند که ایران در چارچوب توافق عمل کند؛ چرا که در غیر این صورت نمی‌توانند بر فعالیت‌های ایران نظارت کنند و اگر ایران به مقاومت ادامه دهد؛ واشنگتن باید بهای معینی برای اینگونه رفتارها تعیین کند.»

وی می‌نویسد: با توجه به اینکه این راهکار در رابطه با مسئله هسته‌ای و مهار ایران نتیجه داد، بنابراین می‌توان از اینگونه تلاش‌ها در قبال رفتارهای تهدیدآمیز و بی‌ثبات‌کننده تهران در منطقه استفاده کرد و واشنگتن باید از همین منطق برای تغییر رفتار ایران در منطقه استفاده کند. در سایه برداشته شدن گامهای مشابه می‌توان مانع از اقدامات ایران در مورد سوریه، عراق، یمن و گروه‌های فلسطینی شد. راس در پایان نوشت: بهای هنگفتی که ایران در نتیجه تحریم‌ها داد، به تغییر سیاست ایران از طریق انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهوری انجامید و اگر واشنگتن می‌خواهد قدرت بازدارندگی را تقویت و از تیم روحانی حمایت کند، باید سیاستی را در پیش گیرد که تهران در قبال سیاست‌های ماجراجویانه خود که از طریق سپاه پاسداران دنبال می‌کند، هزینه سنگینی را متحمل شود.

استاندارد: آمریکا پایبند نبود، روحانی نباید توقع ایجاد می‌کرد

نشریه اتریشی «استاندارد» می‌نویسد، یک سال پس از توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱ انتظاراتی که در میان مردم به وجود آمده بود برآورده نشده است.

این نشریه با استناد به یک نظرسنجی که به سفارش دانشگاه مریلند در ماه ژوئن انجام شده نوشت که اکثر مردم ایران از نتایج توافق هسته‌ای سرخورده‌اند.

مطابق این نظرسنجی یک سال پیش بیش از ۶۲ درصد شهروندان ایرانی به برداشته شدن تحریم‌ها باور داشتند اما این افراد در ماه گذشته ۲۳/۵ درصد پرسش‌شوندگان را شامل می‌شدند.

به نوشته «استاندارد» ۷۲ درصد شهروندان ایرانی در این نظرسنجی ابراز اطمینان کرده‌اند که آمریکا به تعهدات برجامی خود برای برداشتن تحریم‌ها عمل نکرده است.

نشریه اتریشی سرخوردگی ایرانیان را به «انتظارات بیش از حدی» نسبت می‌دهد که در ارتباط با پیامدهای برجام در میان شهروندان دامن زده شده و می‌نویسد: ناظران معتقدند بخش بزرگی از مسئولیت این سرخوردگی بر گردن اعضای دولت حسن روحانی و شخص رئیس‌جمهور است که بارها وعده دادند با توافق هسته‌ای مشکلات به سرعت برطرف می‌شود.

رئیس‌جمهور اتریش چند ماه پیش اعلام کرد تحریم‌های مربوط به سوئیفت لغو نشده است.

گفت و شنود

ملاقه

گفت: راننده یک کامیون در شهر «نیس» فرانسه با کامیون وارد جمعیت شده و تعداد زیادی را به خاک و خون کشیده و بعد از کامیون پیاده شده و مردم بی‌گناه را به رگبار بسته.

گفتم: این چندمین عملیات تروریستی طی ۱۸ ماه گذشته در فرانسه است.

گفت: در خبرها آمده که در این عملیات تروریستی ۸۴ نفر که بسیاری از آنها کودک بوده‌اند، کشته شده و ۱۳۰ نفر هم مجروح شده‌اند.

گفتم: دولت فرانسه همین چند روز پیش از گروهک تروریستی منافقین که ۱۷ هزار ایرانی را به شهادت رسانده‌اند، حمایت کرد و در گذشته هم پایگاه و حامی تروریست‌ها بوده و حالا هم از جمله حامیان پر و پا قرص داعش و سایر تکفیری‌هاست!

گفت: کاش این راننده کامیون با کامیونش وارد کاخ الیزه می‌شد و رئیس‌جمهور آدمکش فرانسه را لت و پار می‌کرد، نه مردم مظلوم و بی‌گناه را...!

گفتم: نگران نباش به اونجا هم می‌رسه،... از قدیم و ندیم گفته‌اند، ازدواج ناموفق با «ابراز علاقه» شروع میشه و بعد از مدتی به پرتاب ملاقه می‌رسه!

گزارش دوم سه ماهه وزارت امور خارجه در مورد برجام انتشار یافت

وزارت امور خارجه گزارش دوم خود در مورد برجام را به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد.

وزارت امور خارجه دیروز بعد از ظهر دومین گزارش خود در مورد برجام را که هر سه ماه یک بار موظف به ارائه آن به مجلس می‌باشد، به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد.

این گزارش دارای پنج بخش است که به ترتیب امور مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای، از بین رفتن مبانی سیاسی و حقوقی تحریم‌ها، رفع تحریم‌ها در عمل، محدودیت‌های غیربرجامی و سایر مشکلات و چالش‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با اعلام خبر ارائه دومین گزارش اجرای برجام از سوی وزارت خارجه به این کمیسیون، گفت: این گزارش وزارت خارجه بعد از تعطیلات مجلس در صحن علنی قرائت می‌شود.

نماینده مردم بروجرد در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: این گزارش در فاصله زمانی ۲۶ فروردین تا ۲۶ تیرماه ۹۵ تنظیم شده است که صبح امروز (یکشنبه) در اختیار اعضای کمیسیون قرار گرفته و در اولین جلسه کمیته برجام نیز به آن پرداخته می‌شود.

وی افزود: با توجه به اینکه طبق قانون اقدام متناسب و متقابل جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام مصوب ۲۷ فروردین ۹۴، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی موظف است هر ۶ ماه یک بار روند اجرای برجام را به صحن گزارش کند و با توجه به اینکه بررسی دومین گزارش و بررسی میدانی تحولات اجرای برجام و گزارش ارگان‌های مختلف زمان بر است طبیعی است که گزارش کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به بعد از تعطیلات مجلس موکول می‌شود.

گفتنی است که کیهان در شماره‌های آتی روزنامه به نشر و بررسی مفاد و متن دومین گزارش وزارت خارجه در مورد برجام خواهد پرداخت.

خبر ویژه

فرافکنی نکنید آقای هاشمی

احمدی‌نژاد حاصل نارضایتی مردم از شما بود

ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، محصول سیاست‌های ناراضی‌تراشانه شما و متحدان‌تان در دولت اصلاحات بود نه قدیس‌سازی جریان رقیب.

داریوش سجادی همکار سابق نشریات اصلاح‌طلب در تحلیلی نوشت «آقای هاشمی رفسنجانی طی سخنانی در دانشگاه آزاد کرمان فرموده‌اند: کشور بعد از جنگ در دوران سازندگی، در ریل توسعه اقتصادی افتاد و سپس دولتی آمد (دولت خاتمی) که در ادامه طرح‌های سازندگی، به توسعه سیاسی نیز می‌پرداخت که البته برنامه آن در دولت سازندگی در قالب برنامه‌های اول، دوم، سوم و چهارم پنج ساله آمده بود. (منظور آقای هاشمی آن است که خاتمی هم ادامه و ادامه‌دهنده دولت من و سیاست‌های من بود! درستی یا نادرستی و دفاع یا تکذیب یا تائید این ادعا بماند بر عهده و «مسئولیت شخصی» آقای خاتمی) آقای هاشمی در ادامه با اشاره به سیر تدریجی اتفاقات در دولت‌های پس از جنگ، فرموده‌اند: در مقطعی، همان‌هایی که در زمان مبارزه به انقلاب معترض بودند، با قدیس‌سازی، دولت هشت سال قبل را (دولت احمدی‌نژاد) بر کشور تحمیل کردند(!) که همگان از اقدامات تخریبی آنان در ابعاد داخلی و خارجی خبر دارند که البته برای جلوگیری از گسترش ناامیدی در جامعه، مواردی نادر را افشا می‌کنند».

هاشمی نمی‌خواهد بپذیرد اگر «محمود» اشتباه‌ترین و هیولاترین و جنایت‌کارترین (!) گزینه در میانه گزینه‌های مردم ایران طی ۳۸ ساله گذشته بود؛ این «سرجهازی» هدیه و عطیه خود او به مردم ایران بود که در ۸۴ قاطبه ایرانیان را در برزخ کلافگی از سوءمدیریت برجا مانده از دولت سازندگی و تداوم و تداول آن در دولت اصلاحات (به استناد اظهارات آقای هاشمی) صاحبان آراء را به این صرافت انداخت تا در دوگانه موجود به احمدی‌نژاد پناه ببرند.

سجادی ادامه می‌دهد: فراموش فرموده‌اید وقتی حسین آقا مرعشی‌تان از منتهی الیه تبختر و از عمق سالوسی و «عتبه‌بوسی صاحب اختیارش» در ۸۴ «محمود» را آنچنان تحذیر می‌داد که «تو را با نبرد دلیران چه کار؟ - تو برزگری بیل‌ات آید به کار!» چگونه در فردای انتخابات، ایرانیان به طعنه همان «حسین آقا» را آنگونه انذار دادند که «یادتون رفته که اون شاه که به صد مهره نمی‌باخت- تاج و از سرش تو میدون لشکر پیاده برداشت؟»

جناب آقای هاشمی!

تاریخ را به تعارف و تکلف نمی‌نویسند و واقعیت آن است وقتی در سال‌های زعامت خود در پاستور با سیاست‌های نابخردانه و مدیریت‌های گشاده‌دستانه و بی‌مبالاتی‌های اشراف‌سالارانه، پدر مردم را درآوردید بالتبع آن مردم در گریز از تباهی دوران مدیریت سپهسالارانه جنابعالی در بزنگاه ۸۴ شادکامانه و امیدوارانه با تصور «آنتی هاشمی بودن» پناه به احمدی‌نژاد بردند، بدین منوال دیگر چه جای گلایه از انتخاب محتوم محمود و اجتناب مفهوم از جنابعالی توسط ایرانیان می‌ماند تا ناجوانمردانه خاک در چشم واقعیت بپاشید و «محمود» را تحمیلی قدیس‌سازان بخوانید!؟ محمود اگر تحمیلی هم بود تحمیلی اجتناب‌ناپذیر از جوار نابلدی‌ها و نابخردی‌ها و ناروایی‌های متخذه سالار و سال‌های سازندگی بود!

اگر به دست خود و از جوار مدیریت ناشایست خود، مردم را به صرافت انزجار از خود، پناه به محمود دادید و در ۸۸ نیز بابت «تکرار آن اقبال» پدر همین مردم را در زمین فتنه و تمهید تحریم درآوردید تا به صرافت «غلط کردم» بیفتند! در آن صورت این کمال بی‌آزرمی است تا بدون تعهد به لوازم سوء تدبیرها و بی‌کفایتی‌ها و نامبالاتی‌های خود بی‌اقبالی شهروندان به خود را فرافکنانه محصول قدیس‌سازی از رقیب‌تان معرفی فرمائید!

فی‌الواقع خوانش بین سطور از فرمایش جناب هاشمی برخوردار از این صراحت است که؛ ایرانیان در مقام رعایای «ما» موظف‌اند یا ثناگویانه و عتبه‌بوسانه به پابوس قبله عالم و عمله و اکله قبله عالم بیایند و در غیر این صورت آن چنان داری از روزگارتان برآورم و آن چنان تسمه‌ای از گرده‌تان برکشم و از جوار دسایس و ترفند و فتنه و سعایت «مهدی بابا» و تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی آن چنان نسق گیرتان کنم تا با افتادن به صرافت «غلط کردم» منجی‌انگارانه به پابوسم بازگردید.

برجام، حاصل دستپاچگی دولت بود نه مقدورات نظام

وزیر راه دولت اصلاحات می‌گوید برجام، حداکثر مقدور ایران در مذاکرات بود و به جای پرداختن به آن باید به این موضوع بپردازیم که آیا توانسته‌ایم از فرصت‌های برجام استفاده کنیم یا نه؟

احمد خرم ضمن سرمقاله‌ای در روزنامه دولتی ایران نوشت: «عموما در ارزیابی نتایج این توافق برای کشورمان ارجاعات به سمت اصل برجام منحرف می‌شود. چنین رویکردی در نتیجه طبیعی خود ما را از این مسئله غافل خواهد کرد که چگونه در حال بهره‌برداری و استفاده از ظرفیت‌های توافق هسته‌ای هستیم؟ نکته مهم و مغفول مانده این است که آیا ما به درستی توانسته‌ایم فضای پسابرجام را مدیریت کرده و از آن به نفع منافع ملی خود بهره‌برداری کنیم؟

وی می‌افزاید: هم دولت، هم هواداران دولت و هم حتی اعضای تیم مذاکره‌کننده بارها تاکید کرده‌اند که در این سند نه حداکثر خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران بلکه حداکثری از آنچه که «مقدور» بوده، به دست آمده است. بنابراین طبیعی است که قسمتی از خواسته‌های ما نیز در دایره این «مقدورات» نبوده باشد.

خرم نوشت: ما یک داشته مشخص به مثابه ابزاری سیاسی و اقتصادی داریم که باید ببینیم چطور از آن در راستای منافع ملی بهره‌گیری می‌شود. منتقدان و مخالفان برجام اگر همچنان بر موضع تقابلی خود با این موضوع قرار دارند، باید این مسئله را در دستور کار خود قرار دهند نه بازگشت به نقد اصل برجام. اینکه آیا دولت و مجموعه اجرایی توانسته از این فرصت برای جلب سرمایه‌گذاری بیشتر در کشور و جهش اقتصادی استفاده کند؟ آیا دولت از وجود چنین توافقی برای افزایش ثبات ما در منطقه خاورمیانه بهره جسته است؟ آیا توانسته‌ایم شراکت‌های اقتصادی جدیدی را در منطقه و فراتر از منطقه تحت تاثیر برجام رقم بزنیم؟ اینها از جنس سوالاتی است که یک سال بعد از برجام همچنان جای آنها در مواضع منتقدان خالی است. بگذریم از اینکه بالا بردن سطح توقعات از فضای پسابرجام هم در همین مدت اندک به ابزاری برای مشروعیت دادن به حمله به اصل برجام تبدیل شده است.

درباره این تحلیل شایان یادآوری است که اولا آقای خرم باید از دولت و وزارت خارجه بپرسد که چرا نتوانسته از ظرفیت برجام و وعده‌های موجود در آن استفاده کند یا گریبان طرف بدعهد را بگیرد. منتقدان نیز یکی از اعتراضاتشان همین است که چرا فقط امتیاز دادیم اما دستاورد و عایدی ما به تعبیر رئیس بانک مرکزی «تقریبا هیچ» بود؟

ثانیا دولت و وزارت خارجه تقریبا کاری به مقدورات و توانمندی‌های نظام و در مقابل دست خالی و نیاز حریف نداشتند بلکه با بدفهمی برای توافق به هر قیمت و سپس اجرای به هر قیمت آن عجله کردند. به همین دلیل هم توافقی نامتوازن یا تعهدات ناهمزمان و بدون امکان شکایت و احقاق حق در صورت نقض عهد طرف مقابل منعقد و اجرا شد. در عین حال وزارت خارجه و رئیس‌جمهور اهتمام کافی حتی برای مطالبه تعهدات برجامی غرب و آمریکا ندارند وگرنه همین تعهدات نیم‌بند برجام نیز بارها نقض شده است. البته به اعتبار امتیازات نقد واگذار شده از سوی ما، آمریکا نیازی به پاسخگویی نمی‌بیند و این طرف نیز کسانی فکر می‌کنند وعده خلاف واقعی به مردم داده‌اند که اگر اعتراف کنند، دیگر حرفی برای گفتن با مردم ندارند.

آفتاب یزد: نارضایتی روحانی و نوبخت موجب برکناری مجید انصاری شد

یک روزنامه اصلاح‌طلب جابه‌جایی مجید انصاری را به معنای تنزل درجه وی به خاطر انتقادهای چند وقت پیش دانست.

آفتاب یزد با اشاره به تغییرات اخیر در برخی معاونت‌های ریاست جمهوری نوشت: «در جریان این «پاستور تکانی» برخی اسباب و اثاثیه‌شان را جمع‌آوری کردند و ناگزیر به ترک نهاد ریاست جمهوری شدند و در عوض افرادی برای نخستین‌بار به محوطه سبز پاستور گام نهادند و مستقیم در پنت هاوس این ساختمان منزل گزیدند!

بعضی هم جابه‌جایی‌هایی طولی داشتند و از طبقات بالا به طبقات پایین‌تر و فرودست منتقل شدند. طی این پاستورتکانی الهام امین‌زاده، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری که یکی از اصولگرایان کابینه بود، به کلی از پاستور رخت بست. تغییرات بعدی اما مطلوب اصلاح‌طلبان به نظر نمی‌رسد چرا که مجید انصاری از چهره‌های شاخص این جریان ناچار به وداع با بهارستان شد و اکنون می‌بایست پشت میز امین‌زاده بنشیند. در عوض حسینعلی امیری، سخنگوی وزارت کشور و قائم مقام رحمانی فضلی از این به بعد جامه معاونت رئیس‌جمهوری را به تن خواهد کرد و به نمایندگی از حسن روحانی در پارلمان حضور خواهد داشت. چرایی برکناری انصاری از سمت معاونت پارلمانی ریاست جمهوری و انتصاب وی در جایگاه معاونت حقوقی و همچنین تفویض اختیارات از یک چهره اصلاح‌طلب به امیری اصولگرا در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته و به بازار شایعات درباره این پاستورتکانی حسن روحانی رونق بسیاری بخشیده است.

آفتاب یزد ادامه می‌دهد: برکناری مجید انصاری از سمت معاونت پارلمانی علامت سوال‌های فراوانی را در اذهان ایجاد کرد و به مذاق بسیاری از اصلاح‌طلبان خوش نیامد. به طوری که روز گذشته تعداد زیادی از تحلیلگران فعال در عرصه سیاست این جابه‌جایی حسن روحانی را برنتابیدند و تفویض اختیارات انصاری از پارلمان به معاونت حقوقی را تنزل مقام برای یکی از اصلاح‌طلب‌ترین چهره‌های کابینه تدبیر و امید دانستند.

نخستین گمانه‌ای که در خصوص تنزل مقام انصاری مطرح می‌شود که وزنه آن از دیگری سنگین‌تر است و از آن بوی سیاسی‌کاری دولت به مشام می‌رسد، در خصوص انتقاداتی است که وی چندی پیش به عملکرد تیم اطلاع‌رسانی دولت وارد